

با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

استاد مسعود ریاضی

آیا آدم معرفی شده ادیان حقیقت دارد ؟

هر چه وجود دارد حقیقت است. "آدم" اولین کسی است، که در آسیا به مقام پیغمبری نایل گشته و الهام گرفته. اگر افراد بشر نمی بودند، پیغمبر لازم نبود. در نتیجه بقیه انسانها وحشی بودند و هنوز بشر نشده بودند. مراحل کمال انسان "بشر، انسان و آدم"، می باشد و آدم، به کسی می گویند که با خدا ارتباط مستقیم دارد و انسان، به کسی که به وسیله مغز و دانش و تکنولوژی زندگی را اداره می کند و بشر، به کسی که تابع و پیرو ادیان و انبیا است. حیوان، به کسی می گویند، که زندگی جنگلی داشته و تابع قوانین نباشد.

زمانی که آدم ابوالبشر به آدمیت رسید و مامور شد، که بشر بسازد، (نه از او متولد شود) جنگلیها را اهلی می کرد. و این آدمی بود، که با خدا ارتباط داشت. نه اولین آدم زمین باشد. میلیاردها سال قبل از او بشر بوده، حیوان بوده، زمین عمرش خیلی طولانی است. تواریخ مذهبی ما تاریخ آدم ابوالبشر را دوازده هزار سال می شناسد، که می گوید، آدم جد نوح بوده، در حالی که علم، این تاریخ را تا بیست و هشت میلیون سال کشف کرده. این هیچ ربطی به خلقت بشر ندارد.

ادیان نظر می دهند، فرشتگانی در عالم امر و محضر پروردگار بودند. یکی آدم بود و یکی شیطان، آدم که روح کلی آدمیت بود، قرار شد، بعداً در گل پیاده شود. پس به سبک رمانتیک، ادیان، داستان را تشریح می کنند، که مربوط به غیب عالم است. می گویند پروردگار گفت: می خواهم، در زمین خلیفه ای قرار بدهم. بدانید که دو جور دین وجود دارد، یکی آنکه از آبا و اجداد به ما رسیده و یکی آنکه باید تحقیق کرده باشیم. آدم ادیان دو وجه دارد. در این قسمت از دنیا او اولین پیغمبر نژاد سامی است، که جد عیسی و محمد است. آنچه که در این جهان می بینی نمونه ای در عالم غیب دارد. افلاطون پی برد، آنچه در عالم غیب است، حقیقت و آنچه در زمین است، تصویر آن است. مثل این است که اکنون من با تصویر تو سخن می گویم.

حقیقت جویان می خواهند به توی اصلی برسند و تو را بیابند. با توجه به این مقدمه، آدمی، روی زمین هست، که تصویر آدم عرش و عالم ملکوت و امر است. در نتیجه ادیان در دو وجه صحبت می کند. آدمی، که روی زمین است و آدمی، که در آنجاست. محمد یا علی گفته اند من امام بودم، درحالی که آدمی که جدم بود، هنوز بین گل و آب بود!!!

پیغمبر گفت: من نوری بودم به صلب آدم و بعد... آمدم تا عبدالله پدرم. من آن نورم و من و علی از نور واحدیم که از اصلاب شاهخه به رحم های طیبه و طاهره وارد شدیم، تا آمدیم توی این دنیا. چگونه می شود علی آدم باشد، اما قبل از او ولی الله اعظم باشد؟ این همان رشته جبر و سرنوشت و تقدیر الهی است. مثلاً یک روشن بین می تواند، تا صد سال دیگر شما را ببیند. چگونه؟ وارد روحت شده، از روحت تا عالم امر می رود. در آنجا تصاویری می بیند، که در آینده نقش می بندد. مثل باران که به برف و به آب و انرژی به ماده تبدیل می شود و آنرا می بیند.

آدم ادیان را متوجه شدید؟ یکی در عالم امر بود و یکی در عالم خلق. حالا چرا می گویندش که اولین است. در ادیان آمده، که در مقابل آدم سجده کنید، آیا بشر وحشی قابل سجده است؟ پس این کدام بشر است، که ادیان می فرمایند سجده اش کنید؟ این همان آدمی است که سعدی می فرماید:

رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

یعنی میلیاردها میلیارد بشر روی زمین می آیند، لایق سجده نیستند. حالا می رویم سوال در متن ادیان: ای پیغمبران این آدم را که گفتید، لایق سجده است و شیطان او را سجده نکرد کیست؟

می بینیم که این انسان کامل و آدم خدا گونه است، که در تاریخ به وجود می آید. اما اول، تاریخ الگوش بوده و در نهاد شما هم هست. پس طرح انسان کامل در نهاد همه هست. فقط ارزش دید را باید بدانید، که اگر حقیقت را درک کنید، در هیچ معامله ای سرتان کلاه نمی رود. نه در ازدواج نه در انتخاب شغل، نه در انتخاب خط دینی. بیدار، بینا و هوشیار.

چه کنیم که بینایی برایمان پیدا شود؟ خدا پرست بشوید. "قولوا الا اله الا الله تفلحوا" بگویید اینها خدا نیستند "لاله"، که فقط خدا می تواند، بر تو غالب شود "لاله". این فرمول سعادت است. بگو اینها خدا نیستند، تا رستگار و سعادتمند شوی. اگر می خواهی مسلمان شوی، الله را بگیر و رها مکن. پس با قدرت روحی و موج الکترومغناطیک وجودت، می توانی، آنچنان آدمی بسازی، که دلت می خواهد. تو اگر خدا را بپرستی زندان، مسجد و مدرسه ندارد. خدا پرست باش. حسین بن علی (ع) فرمودند: صبر می کنم، بر این بلا، راضی ام به رضای تو ای الله، تسلیم به امر تو ای الله، چیزی قابل پرستش و قویتر از تو وجود ندارد. شمشیر به او می خورد می گفت "لا حول ولا قوه الا بالله"، که حرکت این شمشیر از دست خدا است. وقتی یکتا پرست بشوید، سعادتمند و رستگار خواهید شد.